



# بهره‌گیری از تفکر شهرسازی منظر در فرایند مطالعات طرح‌های توسعه شهری ایران

(مطالعه موردی: طرح جامع سیما و منظر شهر کرج)

مژده عرفانی<sup>1</sup>، سیدحسین بحرینی<sup>2</sup> و منوچهر طبیبیان<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 97/02/03

تاریخ پذیرش: 97/08/19

**چکیده:** عدم درک مفهوم «پویای» منظر، فقدان توجه به «رویکرد کل‌نگر» آن و استفاده از روش‌های سنتی در مطالعات طرح‌های توسعه شهری به شکل‌گیری مناظری در شهرها منجر شده که توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان را در طول زمان ندارد. بنابراین با توجه به ناکارآمدی و عدم همخوانی شیوه مطالعات طرح‌های توسعه شهری ایران با تغییرپذیری شهر کنونی، ضروری است، تا نگرشی متناسب با شرایط شهری امروز اتخاذ شود. تفکر نوین «شهرسازی منظر» با «کلی‌نگری» نسبت به مفهوم منظر و پذیرش «عدم قطعیت» شهر در حال تحول، عرصه موضوعی جدیدی را در ادبیات جهانی مطرح نموده است. از این رو پژوهش حاضر درصدد بهره‌گیری از این تفکر در راستای ایجاد تغییر نگرشی در شیوه مطالعات طرح‌های توسعه شهری ایران، به ویژه «سند جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» است. این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش تحلیل محتوا، بررسی تطبیقی چارچوب نظری تفکر شهرسازی منظر با نظام شهرسازی معاصر ایران و مطالعه موردی، شرایط کاربرد این تفکر را در ایران معرفی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر کلی‌نگری نسبت به مفهوم پویای منظر، تلفیق مفاهیم برنامه‌ریزی و طراحی از مقیاس کلان به خرد در فرایندی یک‌پارچه، پویا و برگشت‌پذیر، به‌روز نمودن قوانین و ضوابط مربوط به منظر شهری (به عنوان ابزار قانونی و حقوقی) و ایجاد سازوکارهایی برای ارتقاء جایگاه حقیقی نهادهای محلی و مردمی در روند طراحی و برنامه‌ریزی محیط شهری، از پیش‌نیازهای لازم برای کاربردی نمودن این تفکر در نظام شهرسازی ایران است.

**واژگان کلیدی:** منظر، شهرسازی منظر، نظام شهرسازی معاصر ایران، طرح جامع سیما و منظر شهر کرج.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین اصول طراحی منظر پایدار به منظور معرفی شرایط کاربردی تئوری "شهرسازی منظر" در ایران (نمونه موردی: طرح جامع سیما و منظر شهر کرج)» است که به راهنمایی آقایان سید حسین بحرینی و منوچهر طبیبیان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، به انجام رسیده است.

- 1 دانش‌آموخته دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
- 2 استاد گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: hbahrain@ut.ac.ir
- 3 استاد گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

## 1- مقدمه

«پویایی» و «عدم قطعیت» از ویژگی‌های بارز «شهر در دوران معاصر» است که بازتاب آن در فضای شهری و «منظر»<sup>1</sup> آن به عنوان اولین سطح تماس انسان با شهر مشاهده می‌شود. طی سالیان گذشته مسئولان شهری در ایران در تلاش بودند تا از طریق طرح‌های جامع، «فرهنگ شهرسازی از پیش اندیشیده را با تدوین ضوابط کالبدی برای نظم بخشیدن به شهر ترویج دهند» (Saeednia, 2004: 113). اما در شرایط کنونی، متغیر بودن انتظارات، تعیین پایه‌های ثابتی برای طراحی شهری را دشوار ساخته است (Bahrainy and Aminzadeh, 2006: 14).

به گونه‌ای که دیگر «طرح‌های جامع شهری کارآیی لازم برای مواجهه با تحولات جدید شهرها و شهروندان را از دست داده‌اند» (Elyaszadeh Moghaddam, 2011: 36). دلیل این امر را می‌توان، در بی‌توجهی به کیفیت‌های فضایی در دوره‌های زمانی مختلف بر مبنای نیاز استفاده‌کنندگان و اتخاذ راه‌حل‌های کمی دانست. حال در چنین شرایطی به منظور تحقق وضعیتی پایدار در شهرهای ایران و به‌ویژه کلان‌شهرها، بهره‌گیری از رویکردهای نوین شهرسازی و تدوین سیاست‌هایی با قابلیت درک فرایندهای در حال تغییر قلمرو شهری، ضروری به نظر می‌رسد. گرچه در دهه‌های اخیر نگرش‌های متعددی<sup>2</sup> در رابطه با شکل‌گیری «منظر پایدار»<sup>3</sup> در شهرها مطرح و پژوهش‌های گوناگونی در این زمینه و به‌ویژه در ایران انجام شده است؛ اما آنچه تاکنون قابل تشخیص است، عدم توجه به مفهوم منظر در حوزه شهرسازی به عنوان «بافت همپیوند» و «رکن اساسی طراحی شهری» است. لیکن تفکر نوظهور «شهرسازی منظر»<sup>4</sup> با درک مفهوم پویای «منظر» و ماهیت پیچیده «شهر معاصر»<sup>5</sup>، استفاده از الگوهای برنامه‌ریزی با راه‌حل‌هایی ثابت و کلی‌نگر را، مورد تردید قرار داده و به جای آن، اتخاذ راه‌حلی با قابلیت «انطباق» با محیط را مدنظر قرار می‌دهد.

در رابطه با این تفکر که ریشه آن به سال‌های 1980 تا 2000 م. بازمی‌گردد، تاکنون تحقیقات بسیاری در جهان و به ویژه اروپا و آمریکا انجام گرفته است. لیکن به دلیل نوظهور بودن، این رویکرد در طرح‌های

پژوهشی ایران به طور جامع بررسی نشده است. در این زمینه تنها می‌توان به پژوهش «رویکردهای معماران منظر و طراحان شهری به مقولات مرزی مشترک در مکان‌سازی» (Razzaghi Asl, 2011) اشاره کرد که قابلیت‌های رشته جدید «شهرسازی منظر» را برای کاربرد آن در دانشگاه‌های ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «از توسعه شهری تا شهرسازی اکولوژیک منظرگرا» (Dabiri and Masnavi, 2015)، ویژگی‌های این رویکرد به ویژه در توجه به دانش اکولوژی به گونه‌ای مختصر معرفی شده است.

امین‌زاده (Aminzadeh, 2015: 33-34) نیز در کتاب «ارزش‌ها در طراحی منظر شهری»، به تفکر شهرسازی منظر به عنوان یکی از گرایش‌های بین اکولوژی و شهر اشاره کرده و اذعان می‌دارد چگونگی عملکرد این تفکر در مقیاس اجرایی هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. البته باید توجه نمود که به دلیل جوان بودن، وضوح شهرسازی منظر و کاربرد آن در حوزه دانش شهرسازی نیازمند تحقیقات بیشتر و عملیاتی کردن آن است. حال پژوهش حاضر در پی آن است تا بتواند با بهره‌گیری از چارچوب نظری این تفکر و شناسایی تنگناهای موجود در «نظام شهرسازی معاصر ایران» شرایط کاربست آن را در «سند جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری»<sup>6</sup>، به عنوان مهمترین الگوی برنامه‌ریزی و طراحی شهری، در راستای تحقق منظری متناسب با شرایط شهری پیچیده امروز معرفی نماید.

## 1-1- ادبیات موضوع

«شهرسازی منظر» به عنوان تفکری ظهور یافته در دو دهه اخیر، برای رویارویی با مسایل پیچیده شهر معاصر در تلاش است تا به ایجاد زمینه‌ای مشترک از کنار هم قرار گرفتن رشته‌های دخیل در محیط شهری بپردازد. گرچه اعتقاد بر این است که این تفکر «ابتدا از دل معماری منظر و به منظور تأکید بر فرایندهای فرهنگی و تاریخی، علاوه بر ابعاد اکولوژیکی پدید آمد» (Pollak, 2006: 127)؛ اما اجماع نظری بر این موضوع وجود دارد که شهرسازی منظر به عنوان «یک اخلاق، نگرش و



مقیاس» و تلفیق مفاهیم برنامه‌ریزی و طراحی در شهرسازی دلالت دارد. به طور کلی چنین می‌توان بیان نمود که شهرسازی منظر، رویکردی نوین در شهرسازی با تأکید ویژه بر عرصه‌ها و فضاهای باز شهری است. در نظر گرفتن مقیاس‌های مختلف منظر، از ساختمان تا کل شهر و فراتر از آن، توجه به مفهوم کاربرد فرایندها بیشتر از فرم‌های ایستا، طراحی و بهره‌گیری از ایده‌های خلاقانه و روش‌هایی متناسب با اقلیم، فرهنگ و اکولوژی در هر پروژه از ویژگی‌های بارز این رویکرد به‌شمار می‌رود.

آن<sup>13</sup> (1997) بر مبنای توجه دقیق به «شرایط زمینه»<sup>14</sup> (Allen, 1997: 24)، که با ارتباطاتی پویا، رویدادها، فرم‌ها و فضاها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Spiren, 1998: 191)، مدلی را برای شهرسازی منظر ارائه می‌دهد. در این مدل که منظر قادر است آن را به‌کار بگیرد، چندین نکته کلیدی در رابطه با این تفکر آشکار می‌شود: توجه به برنامه‌ریزی از پایین به بالا، اختیار عمل در حوزه محلی در عین حفظ ساختار کلی، امکان‌پذیر بودن وقوع احتمالات محلی و اهمیت فضاهای خالی (Erfani, Bahrainy and Tabibian, 2017). چنین مدلی می‌تواند برای شهر در قالب «چارچوبی انعطاف‌پذیر»<sup>15</sup> (Allen, 2001: 121) تعریف شود، که ضمن یک‌پارچه نمودن ساختمان با منظر در داخل چارچوب، امکان جذب تغییرات را در طول زمان فراهم می‌آورد. از سوی دیگر مدل آلن، مدلی بزرگ مقیاس و کلی برای شهرسازی است که تعهد آن نسبت به «فضاهای خالی فعال» است؛ فضاهایی که خارج از کنترل معماران و برنامه‌ریزان است و به عنوان «مکان-هایی واسط» برای «خدادادهای پیش‌بینی نشده» در نظر گرفته می‌شوند. می‌توان چنین استنباط نمود که این موضوع بر «نقش جدید طراح» و مفهوم «مشارکت» در تفکر شهرسازی منظر اشاره می‌کند. گرچه آلن به صراحت نمی‌تواند استراتژی‌های زمینه خود را در واقعیت به کار برده و نتایج آن را شرح دهد؛ اما بستری که او که برای تحقق ایده‌های خود شرح می‌دهد، حایز اهمیت است.

شیوه‌ای از تفکر و اقدام" (Corner, 2003: 58)، در حالتی مشارکتی میان معماران، معماران منظر، طراحان و برنامه‌ریزان شهری تعریف شده (Lindholm, 2008: 4) و اکنون در حال گسترش مرزهای کاربردی خود، در رشته‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری است (Waldheim, 2016). بنابراین شهرسازی منظر، با درک عدم توانایی رشته‌های سنتی از شناخت فرایندهای تغییردهنده بافت شهری (Muir, Weller, 2006: 71)؛ Lindholm, 2008: 3؛ 2010: 7 میان محیط‌های طبیعی و مصنوع (Duany & Talen, 2013) بر این باور است که در وضعیت کنونی، طراحی شهری نباید نتایج خاص را هدف قرار دهد؛ بلکه باید پذیرای عدم قطعیت باشد (Heins, 2015: 295) و بر «فرایندها»<sup>7</sup> و «روابط»<sup>8</sup> (Prominski, 2005)، فراتر از فرم کالبدی تأکید نماید. بر این اساس با اجتناب از به‌کارگیری برنامه‌ریزی‌های جامع و ایستا، این تفکر به عنوان "روشی بوم‌شناسانه برای شناخت شهر و اجزایش" (Lindholm, 2008: 4)، در تلاش است تا از طریق لنز منظر (Waldheim, 2016: 18)؛ Waldheim, 2006: 15 و آگاهی از تمامی عوامل اثرگذار (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) بر شکل‌گیری و تغییر آن در طول زمان به ارائه راه‌حلی خلاقانه برای پاسخ به نیازهای شهروندان بپردازد.

بهره‌گیری این تفکر از دانش اکولوژی و واژگانی همچون توالی، نظام‌های پویا، خودکفایی و تاب‌آوری<sup>9</sup> (Thompson, 2012)، ارتباط نزدیک آن را با برنامه‌ریزی اکولوژیکی شهر نشان می‌دهد. از این رو می‌توان این‌گونه استنباط نمود که تفکر شهرسازی منظر، ایده‌های طراحی منظر در مقیاس کلان است که به اعتقاد ولر<sup>10</sup> (2006) حوزه فعالیت آن نه تنها به شهر، بلکه به کل منظر مربوط می‌شود (Weller, 2006: 73). در این راستا تعریف «ساختمان به‌عنوان منظر»<sup>11</sup> (Gray, 2006) با هدف طراحی فرم‌هایی منطبق با شرایط فرهنگی و طبیعی محل و «شهر به‌عنوان منظر»<sup>12</sup> (همان) با تمرکز ویژه بر طراحی فضاهای باز، از مقیاس پیاده‌رو تا خیابان و کل زیرساخت‌ها (Corner, 2006: 28)، به نوعی بر مفهوم «تغییر

در انطباق با چنین نگرشی، وال<sup>16</sup> (1999) با توصیف منظر، به مثابه یک «سطح فعال شهری» (Wall 1999, 233)، فرایند طراحی فضاهای خالی فعال را به شیوه‌ای پویا، موقتی و فاقد قطعیت در نظر می‌گیرد. بر این اساس عملکردهای چندگانه فضا، تلفیق آنها با یکدیگر و امکان بروز فعالیت‌های جدید با فرصت دخل و تصرف شهروندان، می‌تواند زمینه بروز فضای شهری انعطاف‌پذیر را فراهم نماید. در تدام چنین دیدگاه‌هایی، باخ<sup>17</sup> (2008) با بهره‌گیری از ایده کرنر و "افقی بودن منظر به عنوان سطحی ضخیم"<sup>18</sup> (Corner, 2006)؛ (Corner 2003)، به لایه انطباق<sup>19</sup> و مدل برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر در استراتژی‌های طراحی شهر اشاره می‌کند. بنابراین ساختار کلی طرح باید قادر باشد، در طول زمان برنامه‌های جدید و کاربری‌های متفاوت را دربرگیرد (Bach, 2008: 53 cited in Assargård, 2011: 86).

حال از آنجایی که تغییر زیرساخت‌های شهری در طول زمان امری پرهزینه و شاید غیر ممکن باشد، می‌توان چنین استنباط نمود که این استراتژی، مشابه با دیدگاه آن، در مکان‌هایی مد نظر قرار می‌گیرد که از آزادی بیشتری در برنامه‌ریزی و طراحی برخوردارند، از جمله عرصه‌های باز شهری و یا طرح‌های شهری بلندمدتی که امکان توسعه تدریجی در طول زمان را مطابق با شرایط محیط دارند. در چنین نگرشی مفهوم "تاب‌آوری، قابلیت جذب تغییر بدون دگرگونی ساختار کلی طرح" (Prominski, 2005) و "فرایندهای پیش‌بینی و بازخوردهای آنها" (Czerniak, 2007: 215) حایز اهمیت می‌شود، که بر ارزیابی طرح در دوره‌های زمانی مشخص تأکید می‌نماید. طرح «پارک فرش کیلز»<sup>20</sup> نیویورک اثر جیمز کرنر (2001 م)، به مثابه کاتالیزوری برای شکل‌دهی مجدد به هویت منطقه (Lee, 2008: 37)، از نمونه‌های بارز تفکر شهرسازی منظر با تکیه بر پیش‌برد مفهوم تاب‌آوری و چگونگی استفاده از یک استراتژی بلندمدت است.

طرح «پارک های‌لین»<sup>21</sup> منهتن در مسیر تاریخی راه‌آهن شهر در سال 2004 م. نیز حاکی از آن است که چگونه قلمروهای شهری رها شده و متروکه، می‌توانند

به دارایی‌های جامعه تبدیل شوند (Steiner, 2011: 334). شناسایی دقیق زمینه‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، استفاده از ساختار کهنه مسیر راه‌آهن و بازسازی آن به عنوان فضایی اجتماعی و در خدمت شهر با بهره‌مندی از نظرات شهروندان از ویژگی‌های مثبت این پروژه به شمار می‌آید.

به طور کلی تفکر «شهرسازی منظر»، با درک سطح شهری، به جای تمرکز بر ترکیب نقش/زمینه (Muir 8, 2010 به نقل از Hansel, 2003: 111)، و اهمیت دادن به فضای سفیدی که در طرح‌های مرسوم ساختمان‌ها را از یکدیگر مجزا نموده، (Kullmann, 2015: 311)، تغییر نگرشی از طرح‌های ایستا به طرح‌هایی با سیالیت بیشتر است که در مواجهه با پویایی شهر امروز مناسب‌تر به نظر می‌رسد. مبتنی بر تحلیل‌های انجام شده، می‌توان چارچوب نظری این تفکر در حوزه دانش شهرسازی را در قالب چهار ویژگی کلی (شکل 1) بیان نمود:

استراتژی‌های برنامه‌ریزی و طراحی باید به منظور برخورداری از قابلیت «انطباق» و «انعطاف»، مقیاس‌های وسیعی را در حوزه منظر شهری از سطح کلان تا خرد در برگیرند. توجه همزمان به برنامه‌ریزی اکولوژیکی منظر در مقیاس منطقه‌ای و طراحی منظر در مقیاس محلی، می‌تواند زمینه‌های ایجاد تعادل را در شهر و محیط پیرامون آن فراهم آورد. این طراحی همچنین باید امکان «تداوم» و «انطباق» با تغییرات آینده را داشته باشد، تا پایدار بماند. بنابراین تمرکز بر مفهوم «طراحی فرایند محور» از ویژگی‌های بارز تفکر شهرسازی منظر به شمار می‌رود.

لازم به ذکر است که "شهرسازی منظر گرچه بر «تغییر» برنامه‌ها و فعالیت‌ها تأکید می‌نماید، اما همواره «ثبات» و «حفظ» کلیت ساختار اصلی شهر را مد نظر قرار می‌دهد. بر این اساس می‌توان از چارچوب نظری این تفکر با ویژگی «عدم قطعیت» و «انطباق» در طراحی فضاهای باز درون و پیرامون شهر و حوزه‌های محلی که قابلیت انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و حساس‌ترین عرصه‌ها در فرایندهای توسعه شهری هستند، استفاده نمود" (Erfani & et. al, 2017). ایجاد

### 3- نتایج و بحث

#### 1-3- چالش‌های نظام شهرسازی ایران

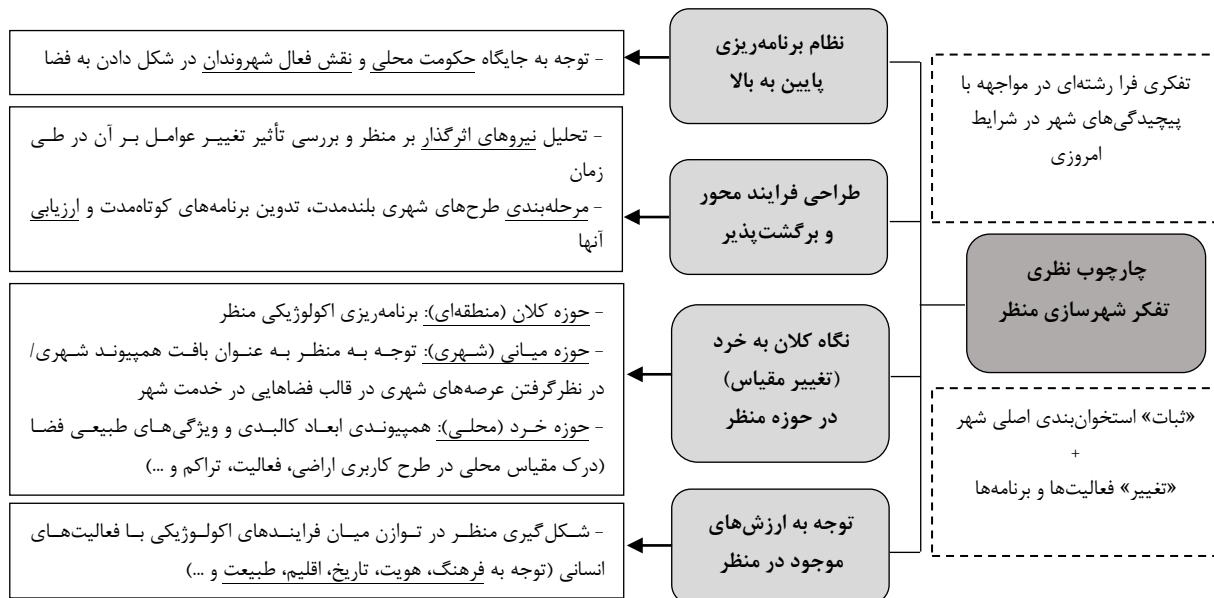
از آن جایی که کاربرد تفکر شهرسازی منظر در فرایند مطالعات طرح‌های توسعه شهری ایران، نیازمند بررسی چالش‌های موجود در نظام شهرسازی معاصر ایران است؛ تحلیل ارکان سه‌گانه نظام شهرسازی ایران می‌تواند، شرایط کاربست این تفکر در عمل را معرفی نماید.

قوانین و مقررات موجود در هر نظام شهرسازی، از مؤثرترین ابزارهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به شمار می‌آید. لیکن در شرایط کنونی علاوه بر مناسب و به‌روز نبودن قوانین شهرداری برای اداره کلان‌شهرها و شهرهای کشور (Azizi and et. al, 2011:121؛ Tehran Urban Research and Planning Center, 2013)، یکی از کمبودهایی که به شدت در محتوای قوانین و مقررات شهرسازی ایران به چشم می‌خورد، فقدان توجه به «منظر» در قالب مفهومی «پویا» و «کل‌نگر» است. به عنوان مثال در مصوبه «ضوابط و مقررات نمای شهری» مورخ 1369ه.ش.

چنین چارچوب‌هایی در قالب یک زیرساخت و راهنمایی برای رشد، متفاوت از رویکرد برنامه‌ریزی مرسوم در تهیه طرح‌های جامع است. مسلم است که، تحقق محتوای نظری شهرسازی منظر با ویژگی‌های ذکر شده، نیازمند «بستری مطلوب» در سطح جامعه است.

#### 2- روش تحقیق

در پژوهش «کاربردی» حاضر، از روش‌های تحقیق کیفی، تحلیل محتوا و مطالعه موردی استفاده شده است. در مرحله تدوین چارچوب نظری تفکر شهرسازی منظر، از روش تحلیل محتوا و تفسیر یافته‌ها، در گام شناسایی چالش‌های موجود در نظام شهرسازی معاصر، از بررسی تطبیقی و در مرحله بررسی نمونه موردی، از روش تحلیلی-انتقادی و همچنین استنباط ذهنی-کیفی در ارزیابی محتوای نظری طرح استفاده شده است. در نهایت به منظور معرفی شرایط کاربست تفکر شهرسازی منظر در ایران، ضرورت‌های رویه‌ای و محتوایی «سند جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» به روش تحلیلی و استنباطی تبیین می‌گردد (شکل 2).



شکل 1- چارچوب نظری تفکر "شهرسازی منظر" در حوزه شهرسازی  
Fig.1-The Theoretical framework of "landscape urbanism" in the field of urbanism



در برابر چارچوب نظری تفکر شهرسازی منظر نشان می‌دهد.

### 2-3 - تحلیلی بر مطالعه موردی: «طرح جامع سیما و منظر شهر کرج»

با آگاهی از کاستی‌ها و چالش‌های نظام شهرسازی ایران در راستای بهره‌گیری از تفکر شهرسازی منظر (شکل 3)، «طرح جامع سیما و منظر شهر کرج» به عنوان نمونه پژوهشی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. طرح مذکور، در چارچوب مصوبه سال 1391 ه.ش. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، تحت عنوان «سند جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» تعریف شده است. بر اساس مصوبه، طرح‌های جامع و تفصیلی، هر شهری باید در قالب خطوط و سیاست‌های کلی این سند حرکت نماید. از این‌رو سند مذکور به دلیل بهره‌مندی از جایگاه قانونی بالا، می‌تواند به مهم‌ترین الگوی برنامه‌ریزی و طراحی شهری در نظام شهرسازی ایران تبدیل شود. آنچه محتوای نظری «طرح جامع سیما و منظر شهر کرج» را از سایر طرح‌های توسعه شهری متمایز نموده، رویکرد مشاور تهیه‌کننده طرح است. این نقش، در تعریف و تحلیل منظر، با تکیه بر انواع نیروهای مؤثر بر شکل‌گیری آن است. این تأثیر به‌گونه‌ای است، که در طرح مذکور، بر لزوم توجه به ماهیت کل‌نگر منظر در سطوح گوناگون و همچنین محصول هر سطح از مطالعات، تأکید شده است (شکل 4). هدف از تعریف مقیاس‌های مختلف، ایجاد ارتباط میان مفاهیم برنامه‌ریزی و طراحی شهری از سطح کلان تا خرد است. رویکردی که روش مطالعاتی طرح‌های جامع، فاقد آن بوده و بیشتر بر فرایندهای برنامه‌ریزی شهری متکی است. گرچه با توجه به چارچوب نظری پژوهش، این سطح‌بندی بر مبنای نوع محصول آن، نیازمند بازنگری و اصلاح است.

در تدوین اهداف کلان طرح، تلاش بر آن است، تا به ابعاد مختلف اثرگذار بر تحولات شهری و به تبع آن منظر توجه شود. بنابراین تأکید بر نظام‌های طبیعی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آنها بر ساخت کالبدی - فضایی شهر از نکات واجد اهمیت طرح به

محصول (Farhoodi and et. al, 2009: 346-347) عدم توجه به امکانات تحقق‌پذیری، تغییر و اصلاح طرح (Majedi, 2012: 18) و جدایی عمیق میان مباحث برنامه‌ریزی و طراحی شهری (Abbaszadegan and Razavi, 2006: 12) از مهم‌ترین مشکلات محتوایی در طرح‌های جامع شهری است.

این در حالی است که در شرایط کنونی، همان‌گونه که تفکر شهرسازی منظر بر آن تأکید می‌کند، گرایش عمومی برنامه‌ریزی و طراحی شهری در کشورهای پیشرفته با اجتناب از برنامه‌ریزی درازمدت و پیش‌بینی‌های قطعی، به شیوه‌ای از برنامه‌ریزی فرایند محور روی آورده است.

در همین راستا با تبدیل شدن "مشارکت عمومی به یکی از اصول مهم گفتمان برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی دموکراتیک" (Daneshpour & et. al, 2016: 30)، رویکرد کلی در تهیه طرح‌های توسعه شهری، حرکت به سوی مشارکت مردمی است. اما باید اذعان نمود "عدم حضور و اطلاع افراد و گروه‌های ذینفع و عدم اعلان طرح‌های شهرسازی به عموم شهروندان قبل از تصویب آنها" (Kalhornia, 2012: 145)، از مشکلات اساسی در فرایند بررسی و تصویب طرح‌های توسعه شهری ایران است. این موضوع به نوبه خود ناشی از تسلط رویه برنامه‌ریزی متمرکز، از بالا به پایین و بخشی‌نگر (Seifoldini, 2010; Faranak; Panahandehkhah, PourAhmad, Hataminejad and Hosseini, 2006: 171). است که نهادها و حکومت محلی عملاً در آن جایگاهی ندارند (Bonakdar, Gharai and Barakpour, 2012: 155). از سوی دیگر تفرق عملکردی و تکثر نهادهای برنامه‌ریزی و اجرایی (Barakpour and Asadi, 2009: 80) موجب طولانی‌تر شدن فرایند تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های توسعه شهری می‌شود. بنابراین چنین استنباط می‌شود، که مهم‌ترین چالش‌ها در نظام شهرسازی ایران پیچیدگی، عدم یکپارچگی در ساختار تشکیلاتی، ماهیت قوانین، مقررات و همچنین کاستی محتوا و روش‌های مطالعاتی طرح‌های توسعه متناسب با شرایط شهری پیچیده امروز است. شکل 3، نارسایی‌های نظام شهرسازی ایران را در شرایط کنونی

شمار می‌رود. اما از ایرادهای وارد بر تدوین اهداف کلان، فقدان انسجام میان آنهاست که به نظر می‌رسد، ناشی از عدم درک منظر به عنوان بستری با قابلیت ایجاد یکپارچگی میان اجزای مختلف شهر باشد. این عدم انسجام که از طرح راهبردی منظر تا تدوین ضوابط طراحی به چشم می‌خورد، سبب می‌شود، تا منظر پتانسیل خود را در انطباق با تغییرات در طول زمان از دست بدهد.

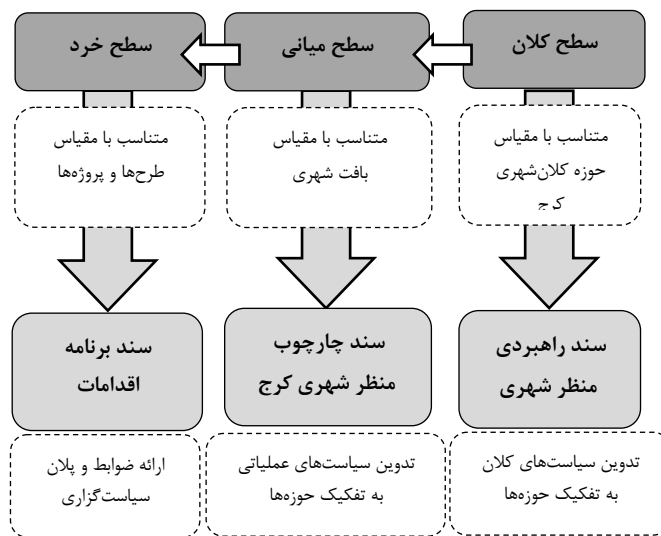
در مرحله تدوین سند راهبردی، انواع منظر بر اساس نیروهای مختلف و اثرگذار بر آن تحلیل می‌شود؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، به دلیل عدم درک منظر به عنوان یک بافت همپيوند شهری، در هر تحلیلی، بخش مجزایی از منظر فارغ از ارتباط با سایر اجزا بررسی می‌شود.



شکل 3- تحلیل نظام شهرسازی ایران بر مبنای چارچوب نظری تفکر "شهرسازی منظر"

Fig. 3-Analysis of Iran's urbanism system based on the theoretical framework of "landscape urbanism"





شکل 4- ساختار اصلی «طرح جامع سیما و منظر شهر کرج» بر مبنای مفهوم سه سطحی نظام

تصمیم‌سازی در حوزه منظر شهری (مأخذ: Farnahad, 2014)

Fig.4-The main structure of the "Karaj Landscape Comprehensive Plan" based on the three-level concept of the decision-making system in the urban landscape

(Farnahad, 2014)

رویکرد طراحی این سند و ایده‌هایی خلاقانه در بهره‌مندی از ارزش‌های موجود در منظر، به‌ویژه عرصه‌های باز و سبز شهری به عنوان فضاهایی در خدمت شهر، از ویژگی‌های بارز آن محسوب می‌شود. متناسب با روند مطالعاتی طرح در مرحله تحقق‌پذیری، راهکارهایی از مقیاس کلان تا خرد تدوین شده است. در مقیاس منطقه‌ای به نقش نیروهای حاکمیتی اشاره شده که باید برنامه‌های خود را با هدف تحقق بخشی از چشم‌انداز شهر تنظیم نمایند. اما باید اذعان نمود از آنجایی که در این سند، برنامه‌ریزی اکولوژیکی منظر در حوزه فراشهری چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ چارچوب مدونی برای نیروهای حاکمیتی وجود ندارد، که بتوانند در قالب آن به تنظیم برنامه‌های خود در راستای تحقق چشم‌انداز طرح بپردازند. این طرح همچنین برای تحقق ایده‌های خود، به ارائه پیشنهادهاتی در راستای تمرکززدایی از فرایند تصمیم‌گیری در نظام برنامه‌ریزی موجود و افزایش مشارکت مردمی در فرایندهای توسعه شهری می‌پردازد. در این زمینه می‌توان به تشکیل شورایی‌های محلی و تعریف نقش جدید طراحان و معماران در قالب طراح

در حالی که درک کلی منظر شهر در قالب استخوان-بندی بافت، عرصه‌های باز، محورهای حرکتی، عناصر اصلی طبیعی و مصنوعی می‌تواند، بستر مناسبی برای تحلیل نیروهای مؤثر بر منظر در راستای حفظ، تقویت و یا اصلاح آنها را فراهم آورد. همچنین در مقیاس فراتر از شهر، به برنامه‌ریزی اکولوژیکی منظر که زمینه مطلوبی برای استقرار متوازن فعالیت‌ها را در شرایط کنونی و آینده فراهم نموده و هدایت صحیح سیاست‌های توسعه شهری را به‌دنبال دارد، توجهی نمی‌شود. با این حال از نکات حایز اهمیت در تنظیم سند راهبردی منظر، مطابق با گزارش مطالعات طرح (Farnahad, 2014)، احیای عناصر طبیعی، استفاده از مشارکت مردم در تبدیل اراضی متروکه به کاربری سبز، از بین بردن شکاف فضایی موجود میان هسته‌های سکونتی و همچنین مدیریت بصری-راهبردی شهر است. عدم توجه به ساختار فضاهای باز و ارتباط آنها با یکدیگر و نادیده گرفتن بافت‌های محلی به‌عنوان حوزه‌های اثرگذار بر کلیت منظر شهری، از نقاط ضعف سند چارچوب طراحی شهری به شمار می‌آید. لین

تحلیل و سپس میزان توجه محتوای طرح به اصول، بر اساس استنباط ذهنی - کیفی (در طیف امتیاز 0 تا 5) ارزیابی شده است. چنین به نظر می‌رسد که این طرح در تحقق برخی اصول ذکر شده در چارچوب نظری پژوهش، بسیار موفق بوده است؛ در برخی موارد از جمله امکان پیش‌بینی رویدادهای آتی و نحوه مواجهه با آنها در حد متوسط عمل نموده و برخی اصول را که موجب تداوم پایداری منظر در مقیاس زمان می‌شود، مد نظر قرار نداده است.

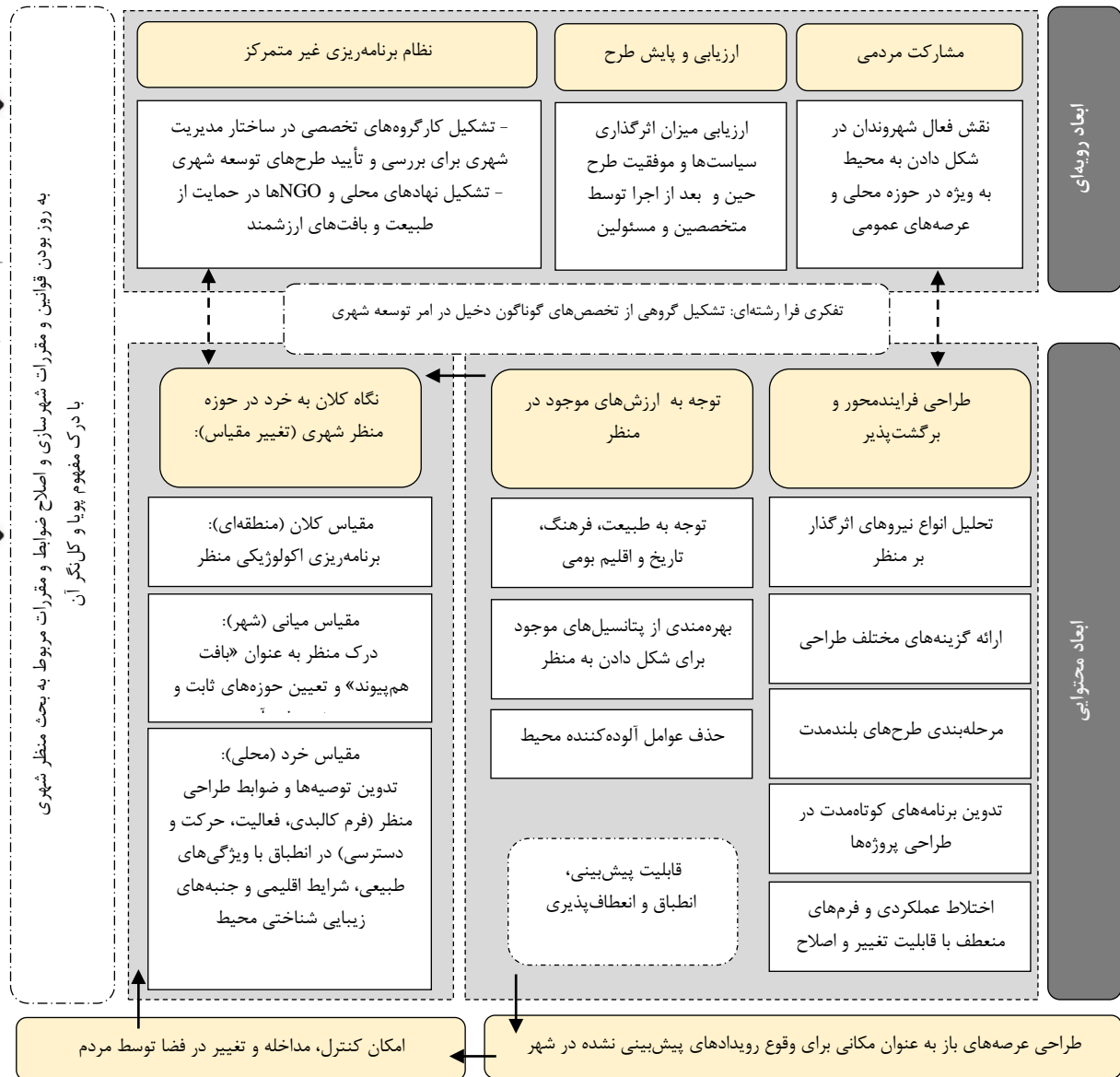
شهری - تسهیل‌گری (Farnahad, 2014) اشاره کرد. از آنجایی که در شرایط موجود، شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز در مدت زمان کوتاه میسر نخواهد بود؛ اتخاذ شیوه‌های مختلف در بهره‌گیری از مشارکت شهروندان در فرایند طراحی فضاها به ویژه عرصه‌های باز فعالیتی، می‌تواند زمینه مناسبی را در رابطه با موضوع مشارکت مردمی فراهم آورد. در جدول شماره 1، ابتدا محتوای «طرح جامع سیما و منظر شهر کرج» بر مبنای چارچوب نظری تفکر شهرسازی منظر

جدول 1- تحلیل محتوای طرح جامع سیما و منظر شهر کرج بر مبنای چارچوب نظری پژوهش

Tab.1-Content analysis of the "Karaj Landscape Comprehensive Plan" based on the theoretical research framework

| امتیاز | محتوای طرح جامع سیما و منظر شهر کرج   | چارچوب نظری پژوهش   | ابعاد روبه‌ای        | ابعاد محتوایی                      |
|--------|---|---|----------------------|------------------------------------|
| 5      | راهکارهای تحقق‌پذیری: تشکیل کارگروه تخصصی نهادهای محلی  | نقش حکومت محلی در فرایند تصمیم‌گیری توسعه شهری                | ابعاد روبه‌ای        | توجه به ارزش‌های منظر              |
| 0      | x   | رویکردی فرا رشت‌های به منظر                                   |                      |                                    |
| 4      | تحلیل نیروی فرهنگی - اجتماعی بر منظر / مشارکت مردم در تبدیل ارضی متروکه به فضای سبز / شکل‌گیری فعالیت‌های خودجوش اجتماعی / تشکیل شورایی محلی  | مشارکت عمومی شهروندان در شکل دادن به محیط                     | ابعاد محتوایی        | نگاه کلان به خرد در حوزه منظر شهری |
| 5      | تعیین ساختار اصلی طرح بر اساس تأثیر نیروهای اثرگذار بر منظر   | تحلیل محرک‌های اثرگذار بر منظر                                |                      |                                    |
| 3      | تبدیل زمین‌های بایر به فضای شهری / انتقال اراضی نظامی و صنعتی به خارج از محدوده / تدوین ضوابط کالبدی  | پیش‌بینی‌های لازم در مواجهه با عوامل مؤثر بر تغییر منظر       |                      |                                    |
| 2      | انتخاب گزینه بهینه در تبیین طرح راهبردی منظر شهری   | ارائه گزینه‌های مختلف طراحی                                   |                      |                                    |
| 1      | راهکارهای تحقق‌پذیری: اولویت‌بندی اجرای پروژه‌ها  | تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و ارزیابی آنها                     |                      |                                    |
| 0      | x   | توجه به فرایند طراحی در عرصه‌های باز و عمومی                  |                      |                                    |
| 4      | تدوین اهداف بر مبنای قابلیت‌های طبیعی و مصنوع موجود در شهر / تحلیل کیفیت‌های منظر بر اساس نیروهای اثرگذار / توجه به خط آسمان شهر / تدوین فرایند نظارت بر ساخت‌وسازهای جدید / عدم توجه به اقلیم و پوشش گیاهی بومی در تدوین ضوابط | توجه به ارزش‌های اکولوژیکی، فرهنگی - اجتماعی، کالبدی و ...    | حوزه کلان (منطقه‌ای) |                                    |
| 5      | ترکیب ارزش‌های طبیعی با فعالیت‌های انسانی / تعریف محورهای فعال اجتماعی و اکولوژیکی  | حداکثر بهره‌مندی از پتانسیل‌های موجود در منظر                 |                      |                                    |
| 0      | عدم مطالعه ساختار اکولوژیکی منظر و فقدان توجه به آن در تدوین طرح راهبردی / تنظیم برنامه‌های نیروهای حاکمیتی بر اساس چشم‌انداز طرح   | برنامه‌ریزی اکولوژیکی منظر و هدایت سیاست‌های توسعه شهری       |                      |                                    |
| 0      | نیود انسجام در تدوین اهداف / عدم انسجام در تحلیل اجزای منظر / عدم یک-پارچگی در ساختار کلی منظر و ارتباط اجزای گوناگون   | توجه به منظر به‌عنوان بافت هم‌پیوند شهری                      | حوزه میانی (شهری)    |                                    |
| 2      | عدم تعریف صحیح از حوزه‌های ثابت و تغییرپذیر (حوزه‌های محلی و فضاها (باز) در ساختار منظر / عدم توجه به ساختار فعالیت، دسترسی، عرصه‌های همگانی و ... / واگذاری پروژه‌های طراحی با رعایت الزامات به مشاورین                        | حفظ ساختار اصلی شهر و اجتناب از طرح‌ریزی دقیق حوزه‌های محلی   |                      |                                    |
| 3      | تلفیق محورهای حرکتی با عرصه‌های باز شهری / ارتباط فضاها سبز با عرصه‌های همگانی / تعریف پروژه‌های موضعی و موضوعی / عدم توجه به ساختار فعالیت   | طراحی عرصه‌های باز و سبز به‌عنوان فضاهایی در خدمت شهر         |                      |                                    |
| 5      | ضوابط طراحی نما، کف‌سازی، نورپردازی، مبلمان، و فضاها سبز  | توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی منظر                           | حوزه خرد (محلی)      |                                    |
| 3      | تحلیل آسیب‌های موجود در منظر شهری / عدم توجه به مقیاس فعالیت‌ها در حوزه محلی / تدوین ضوابط تراکم و خط آسمان و عدم توجه به ساختار فعالیت / ممنوعیت ساخت‌وسازهای غیر مجاز   | - توجه به مقیاس محلی در طرح کاربری اراضی، فعالیت، تراکم و ... |                      |                                    |

میزان توجه محتوای طرح به اصول چارچوب نظری پژوهش: 0: عدم توجه 1: خیلی کم 2: کم 3: متوسط 4: زیاد 5: خیلی زیاد



شکل 5- ضرورت‌های محتوایی و رویه‌ای در «سند جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» ایران بر مبنای چارچوب نظری تفکر "شهرسازی منظر"

Fig. 5-Substantive and procedural imperatives in the "Comprehensive Quality Improvement Document for Urban Landscape" of Iran based on the theoretical framework of "landscape urbanism"

#### 4- نتیجه‌گیری

بررسی مباحث نظری «تفکر شهرسازی منظر» بر این نکته صحنه می‌گذارد که شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری سنتی با ارائه راه حل‌های کلی برای مشکلات شهری، پاسخ‌گوی انتظارات شهروندان در طول زمان نیست. از این رو «عدم قطعیت» شهر در شرایط کنونی ایجاب می‌کند که رویکردهای نوین شهرسازی با آینده‌نگری،

شیوه‌ای از برنامه‌ریزی را اتخاذ نمایند که قابلیت «انعطاف‌پذیری» در «مقیاس زمان» را داشته باشد. در حال حاضر با وجود «کاستی‌های» فراوان در ساختار حقوقی و اجرایی نظام شهرسازی ایران، تغییر نگرش نسبت به مفهوم منظر شهری، به تدریج در حال حرکت به سمتی است که می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری

بررسی مباحث نظری «تفکر شهرسازی منظر» بر این نکته صحنه می‌گذارد که شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری سنتی با ارائه راه حل‌های کلی برای مشکلات شهری، پاسخ‌گوی انتظارات شهروندان در طول زمان نیست. از این رو «عدم قطعیت» شهر در شرایط کنونی ایجاب می‌کند که رویکردهای نوین شهرسازی با آینده‌نگری،

«تحوالی» جدید در روش سنتی مطالعات طرح‌های توسعه شهری را به دنبال داشته باشد. با تحلیل و ارزیابی «طرح جامع سیما و منظر شهر کرج»، به عنوان نمونه پژوهش، می‌توان چنین بیان نمود که «منظر» مجال می‌یابد، تا بتواند قابلیت‌های خود را به منظور شکل بخشیدن به محیط در ابعاد گوناگون و ترسیم آینده‌ای روشن به نمایش بگذارد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که می‌توان از چارچوب نظری شهرسازی منظر، به مثابه تفکری کل‌نگر و نوین در شیوه مطالعاتی طرح‌های توسعه شهری به ویژه «طرح جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» استفاده نمود. بر این اساس در محتوای نظری طرح، توجه به چند موضوع کلیدی ضروری است:

1- درک ماهیت «تغییر مقیاس» در «منظر» و تحلیل آن در قالب مفهومی «پویا» در سه حوزه کلان (فراشهری)، میانی (شهری) و خرد (محلی). چنین دیدگاهی که در حال حاضر طرح‌های توسعه شهری ایران فاقد آن است، می‌تواند، جایگاه منظر را از برنامه‌ریزی اکولوژیکی و ایجاد یکپارچگی در ساختار آن، تا توازن میان فرایندهای طبیعی و فعالیت‌های انسانی در بستر شهر و همچنین جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن به یکدیگر پیوند دهد.

2- با تعیین حوزه‌های ثابت و تغییرپذیر در ساختار منظر، «فرصت»هایی برای سامان بخشیدن و توسعه هر حوزه بر اساس قابلیت‌ها و ویژگی‌های بومی مدنظر قرار گیرد و از طرح‌ریزی دقیق و یکنواخت «محلها» اجتناب شود. این موضوع می‌تواند، سبب ارتقاء مفهوم «مشارکت مردمی» در شکل دادن به بافت محلی در مقیاس خرد شود.

3- «عرصه‌های باز شهری» به عنوان مکانی برای وقوع «رویدادهای پیش‌بینی نشده» مدنظر قرار گیرند. لذا ضروری است در هر سه مقیاس، جایگاه آنها در ساختار منظر مشخص و پس از تحلیل انواع نیروهای اثرگذار، «گزینه‌های مختلف طراحی» با توجه به «نوع تقاضا» ارائه شود. همچنین «نوع فعالیت‌ها» و شرایط «تغییر» و یا «اصلاح» آنها در آینده، تراکم، سطح اشغال، فرم معماری منعطف،

پوشش گیاهی و جانوری و نحوه «مشارکت مردم» در طیفی از بایددها، نبایدها و توصیه‌های طراحی تدوین شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش، کاربرد تفکر «شهرسازی منظر» در حوزه تجربی علاوه بر «محتوای نظری»، نیازمند بستری مطلوب است که «شرایط کاربست» آن را تعریف می‌کند. بدین ترتیب مطابق با شکل 5، به روز نمودن قوانین و ضوابط مربوط به منظر شهری در ایران و ایجاد سازوکارهایی برای ارتقاء جایگاه حقیقی نهادهای محلی و مردمی در روند طراحی و برنامه‌ریزی محیط شهری و تشکیل NGOها در حمایت از طبیعت و بافت‌های ارزشمند باید همواره مدنظر قرار بگیرد.

### پی‌نوشت

<sup>1</sup> Landscape

<sup>2</sup> نوشهرسازی، اکولوژی منظر و شهرسازی اکولوژیکی

<sup>3</sup> Sustainable Landscape

<sup>4</sup> Landscape Urbanism

<sup>5</sup> Contemporary city

در این پژوهش منظور از شهر معاصر، شهر پیچیده امروزی و نظامی درهم تنیده از لایه‌های گوناگون طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... است که تحت تاثیر عوامل مختلف به طور دائم در حال تحول می‌باشد.

<sup>6</sup> مصوبه مورخ 1391/9/13 شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

<sup>7</sup> Processes

<sup>8</sup> Relations

<sup>9</sup> Resilience

<sup>10</sup> Weller

<sup>11</sup> Building as Landscape

<sup>12</sup> City as Landscape

<sup>13</sup> Stan Allen

<sup>14</sup> Field Conditions

<sup>15</sup> Mat building

در این پژوهش با توجه به دیدگاه آلن «ساخت حصیری» به صورت «چارچوب انعطاف‌پذیر» ترجمه شده است.

<sup>16</sup> Alex Wall

<sup>17</sup> Bach

<sup>18</sup> Horizontal thick surface

<sup>19</sup> Adaption

<sup>20</sup> Fresh Kills Park

<sup>21</sup> High Line Park

<sup>22</sup> «طرح ساماندهی سیمای شهر شیراز» (1384 ه.ش)، «طرح منظر شهری» (طرح ویژه نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران - 1385 ه.ش)، «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران» (1386 ه.ش).

### منابع

Abbaszadegan, Mostafa; Razavi, Hamedeh. (2006). Adoption of a New Approach for Urban Development Plans "Design-Based Planning" (Text in Persian). HONAR-HA-YE-ZIBA, Memari-Va-Shahrsazi; Journal of Fine Arts, 28: 15-22.



Waldheim. New York: Princeton Architectural Press: 21-33.

Czerniak, Julia. (2007). Legibility and Resilience. In *Large Parks*, edited by Julia Czerniak and George Hargreaves. New York: Princeton Architectural Press: 215-251.

Dabiri, Maryam; Masnavi, Mohammad Reza. (2015). Linking Temporal-Spatio Patterns and Ecological Processes, From Urban Development to Landscape-oriented Ecological Urbanism (Text in Persian). *MANZAR*, 32: 66-73.

Daneshpour, Seyyed Abdolhadi; Behzadfar, Mostafa; Barakpour, Naser and Sharafi, Marjan. (2016). Participatory Planning Environment: A Conceptual Model for Analysis of Effective Factors in Citizen Participation in Planning (Text in Persian). *Nameh-Memari-Va-Shahrsazi; Journal of Architecture and Urban Planning*, 18: 23- 41.

Duany, Andrés; Talen, Emily. (2013). *Landscape Urbanism and its Discontents*. Gabriola Island: New Society Publishers.

Elyaszadeh Moghaddam, Nasreddin. (2011). Surveying and Feasibility of Replacement of Structural-strategic Model with Urban Comprehensive Planning Model in Iran (Text in Persian). *ARMANSHAHR; Journal of Architecture & Urban Desing & Urban Planning*, 4(6) : 35-48.

Erfani, Mojde; Bahrainy, Hossein and Tabibian, Manouchehr. (2017). Explaining the Process of Sustainable Landscape Realization in the Contemporary City Utilizing Landscape Urbanism Theory (Text in Persian). *Motaleate Shahri; Journal of Urban Studies*, Under Press.

Farnahad, Consulting Engineers Company. (2014). *Karaj Landscape Comprehensive Plan*. Project Employer: Karaj Municipality, Iran (Unpublished Plan).

Farhoodi, Rahmatoallah; Gharakhlou-N, Mehdi; Ghadami, Mostafa and Panahandeh Khah, Musa. (2009). A Critique of the Prevailing Comprehensive Urban Planning Paradigm in Iran: the Need for Strategic Planning. *Planning Theory*, 8(4): 335–361.

Gray, Christopher D. (2006). *From Emergence to Divergence: Modes of Landscape*. Master Thesis, Scotland: Edinburgh College of Art School of Architecture.

Heins, Matthew. (2015). "Finding Common Ground Between New Urbanism and Landscape Urbanism." *Journal of Urban Design* Vol. 20, No. 3: pp293–302.

AliAkbari, Esmail; Rahnamaei, Mohammad Taghi and Ebrahimi Bouzani, Mehdi. (2013). Methodology of Urban Development Plans in Iran (Text in Persian). *Journal of Geography, Iranian Geographic Association*, 11 (37): 97-114.

Allen, Stan. (1997). From Object to Field. *Architectural Design*, 67: 24-31.

Allen, Stan. (2001). *Mat Urbanism: The Thick 2-D*. In *CASE: Le Corbusier's Venice Hospital and the Mat Building Revival*, edited by Hashim Sarkis. Munich: Prestel Publishing: 118-126.

Aminzadeh, Behnaz. (2015). *Values in Urban Landscape Design: Sustainability, aesthetics, identity* (Text in Persian). Tehran, Iran: University of Tehran Press.

Assargård, Hanna. (2011). *Landscape Urbanism-From a methodological perspective and a conceptual framework*. Master Thesis, Department of Urban and Rural Development, Uppsala: Swedish University of Agricultural Sciences.

Azizi, Mohammad Mehdi; Abouei Ardakan, Mohammad and Nouri, Nasrin. (2011). The Role of Urban Rules and Regulations on Realizing Integrated Urban Management in Tehran Metropolitan (Text in Persian). *ARMANSHAHR; Journal of Architecture & Urban Desing & Urban Planning*, 4(6) : 117-128.

Bach, Rune Christian. (2008). *Surface Strategies som Landskapsurban Metode*. Nordisk Arkitekturforskning, 2: 51-61.

Bahrainy, Hossein; Aminzadeh, Behnaz. (2006). *Urban design in Iran: A new approach* (Text in Persian). *HONAR-HA-YE-ZIBA, Memari-Va-Shahrsazi; Journal of Fine Arts*, 26: 13-26.

Barakpour, Naser; Asadi, Iraj. (2009). *Management and Urban Governance* (Text in Persian). Tehran, Iran: Tehran University of Art Press.

Bonakdar, Ahmad; Gharai, Fariba and Barakpour, Naser. (2012). *Urban Design Documents in the Planning System in Iran and England: A Comparative Study* (Text in Persian). *Nameh-Memari- Va-Shahrsazi; Journal of Architecture and Urban Planning*, 8: 147- 167.

Corner, James. (2003). *Landscape Urbanism*. In *Landscape Urbanism: a manual for machinic landscape*, edited by Mohsen Mostafavi and Ciro Najle. London: Architectural Association. pp 50-62.

Corner, James. (2006). *Terra Fluxus*. In *The Landscape Urbanism Reader*, edited by Charles



Saeednia, Ahmad (2004), Green book guidebook of municipalities-urban Desing in Iran (Text in Persian). Volume 5. Tehran, Iran: Publication of organization of municipalities and rural district governing offices of the country.

Seifoldini, Faranak; Panahandehkhah, Mousa. (2010). Survey and Analysis of Limits & Challenges of Regional Development Planning in Iran (Text in Persian). Human Geography Research Quarterly, 73 (3): 83-98.

Spiren, Anne Whiston. (1998). The language of Landscape. Translated by H. Bahrainy & B. Aminzadeh (Text in Persian). Tehran, Iran: University of Tehran Press.

Steiner, Frederick. (2011). Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories. Landscape and Urban Planning, No. 100: 333-337.

Tehran Urban Research and Planning Center, (2013), A draft of the comprehensive urban management law (Text in Persian). Tehran, Iran: planning and research center.

Thompson, Ian Hamilton. (2012). Ten Tenets and Six Questions for Landscape Urbanism. Landscape Research, 37(1): 7-26.

Waldheim, Charles. (2006). Introduction: A Reference Manifesto. In *The Landscape Urbanism Reader*, edited by Charles Waldheim. New York: Princeton Architectural Press: 13-19.

Waldheim, Charles. (2016). Landscape as Urbanism: A General Theory. New Jersey: Princeton University Press.

Wall, Alex. (1999). Programming the Urban Surface. In *Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture*. edited by James Corner. New York: Princeton Architectural Press: 233-249.

Weller, Richard. (2006). An Art of Instrumentality: Thinking Through Landscape. In *The Landscape Urbanism Reader*, edited by Charles Waldheim. New York: Princeton Architectural Press: 71-85.

Weller, Richard. (2008). Landscape (Sub)Urbanism in Theory and Practice. Landscape Journal 27,2: 255-278.

Iran's Supreme Council of Urbanization and Architecture. (2012). Comprehensive Quality Improvement Document for Urban Landscape. Approved on 12. 3. 2012.

Iran's Supreme Council of Urbanization and Architecture. (2009). Urban planning and architecture regulations and development plans, Approved by Iran's Supreme Council of Urbanization and Architecture (Text in Persian). First Edition, Tehran, Iran: Publisher tosseh iran.

Kalhornia, Bijan. (2012). The Evolution of Theory in The profession of urban planning In contemporary Iran (From 1340 to present). PHD Thesis, Tehran, Iran: Faculty of Fine Arts, University of Tehran.

Kullmann, Karl. (2015). "Grounding Landscape Urbanism and New Urbanism." Journal of Urban Design Vol. 20, No. 3: pp 311-313.

Lee, Tien-Yun. (2008). Outlining the Indeterminate Emergence: Landscape as a Framework in Contemporary Urbanism". Master Thesis, Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology.

Lindholm, Gunlla. (2008). Landscape urbanism-large-scale architecture, ecological urban planning or a designerly research policy. Available from: [http://tintin.arch.chalmers.se/aktuellt/PDFs/Lindholm\\_Landscape%20Urbanism.pdf](http://tintin.arch.chalmers.se/aktuellt/PDFs/Lindholm_Landscape%20Urbanism.pdf) (Accessed 10 20, 2016).

Majedi, Hamid. (2012). Structural -Strategic Planning Theory (Text in Persian). Journal of Hoviarshahr (The Identity of the City), 6 (11): 17-27.

Muir, Leanne. (2010). Mapping Landscape Urbanism. Master Thesis, Canada: University of Manitoba Department of Landscape Architecture Faculty of Architecture, Canada.

PourAhmad, Ahmad; Hataminejad, Hossein and Hosseini, Hadi. (2006). Pathology of Urban Development Plans in Iran (Text in Persian). Journal of Geographical Studies, 38 (58): 167-170.

Prominski, Martin. (2005). Designing Landscapes as Evolutionary Systems. The Design Journal, 8: 25-34.

Razzaghi Asl, Sina. (2011). Landscape Architects & Urban Designers Approaches to the common boundary Themes in Place Making. PHD Thesis, Tehran, Iran: School of Architecture and Urban Planing, Iran University of Science and Technology.